

علی رجبی با قصه‌های قرآنی مرتبط با روزهای جنگ، امید و مقاومت را به میان بچه‌ها می‌برد

جنگی که جنگی شد



به گفته او با کمک خیریه‌ها، در مجموع نزدیک به ۲۰ میلیون تومان به حدود ۲۰۰ شرکت‌کننده جایزه اهدا شده است.

آموزه‌های دینی برای بچه‌ها

جنگ قرآنی، ایده دیگر علی رجبی بود که از اسفند ۱۴۰۴ با شروع ماه مبارک رمضان کلید خورد تا این بار برای کودکان بی سرپرست در محله پورسینا اجرا شود؛ با این هدف که بچه‌ها سال جدید را با توشه‌ای از آموزه‌های دینی شروع کنند. برنامه‌ای که در جریان جنگ تحمیلی نیز رنگ و بوی مقاومت به خود گرفت. او درباره این جنگ قرآنی می‌گوید: در ایام ماه مبارک رمضان، جنگ قرآنی را در بخشی از محله پورسینا ویژه بچه‌های یتیم و بی سرپرست برگزار کردیم اما از روزی که جنگ ظالمانه علیه کشورمان شروع شد، سعی کردیم آیاتی که برای بچه‌ها تبیین می‌کنیم مرتبط با وضعیت کشور باشد؛ برای نمونه درباره سوره «حشر» برایشان صحبت کردیم که به جریان پیمان شکنی برخی طوایف یهود اشاره دارد. در مجموع آیاتی که بالحن کودکان، برای بچه‌های حاضر در گردهمایی تشریح می‌کردیم، بیشتر در حوزه صبر و جهاد و استقامت در سختی‌ها بود.

این فعال فرهنگی علاوه بر حضور در اجتماعات شبانه، چند شبی نیز در میان کودکان و نوجوانان حاضر در مکتب مدرسه عالی شهید مطهری برنامه اجرا کرده است. تعریف می‌کند که در این دوره‌ها، بچه‌ها پرچم سوراخ شده اسرائیل را به نمایش گذاشته بودند و با موشک‌های کاغذی بازی می‌کردند.

را نوشتیم. پس از آن، نمایش نامه صوتی را به صورت رادیویی تهیه و در کانال ایتهای «بوستان غنچه‌ها» بارگذاری کردیم. این نمایش نامه‌ها با استقبال خوبی در کل کشور مواجه شده است. در همین ماه رمضان که گذشت، مسابقه‌ای ترتیب دادیم که در جریان آن، برای هر نمایش نامه و هر قصه، چهار پرسش مطرح کردیم تا مخاطبان پاسخ دهند و به برندگان جوایزی اهدا شود.

رجبی با اشاره به اینکه «این رقابت قرآنی با عنوان «آی قصه: قصه، قرآن» در کانال ایتهای بوستان غنچه‌ها از نقاط مختلف جنوب، شمال و شرق و غرب کشور، شرکت‌کننده داشت» اضافه می‌کند: برای اینکه بچه‌ها خسته نشوند، مسابقات را طی پنج مرحله اجرا کردیم و پس از دریافت پاسخ پرسش‌های مربوط به هر شش قصه، جوایز به برندگان اهدا شد.

سعیده ساجدی نیا علی رجبی و گروهش حالا چهارمین سالی است که حضور فعال در فضای مجازی و کانال «بوستان غنچه‌ها» را در کارنامه فعالیت‌های فرهنگی خود ثبت می‌کنند. آن‌ها قصه‌های قرآنی مرتبط با شرایط موجود کشور را به صورت نمایش نامه رادیویی اجرا و فایل صوتی آن را در فضای مجازی منتشر می‌کنند؛ طریقی که با استقبال خوب کودکان و نوجوانان در کل کشور مواجه شده است.

حجت الاسلام والمسلمین علی رجبی، ساکن محله سجاده که ۲۶ خرداد ۱۴۰۴ با او مفصل گفت‌وگو کردیم، یکی از همان عموروحانی‌هاست که فعالیت در حوزه کودک و نوجوان را از کار اجرا، قصه‌گویی، شعرخوانی و بازی‌های کودکانه در مساجد، مدارس و جشن‌ها و بوستان‌ها شروع کرد و سال ۹۳، گروه تبلیغی «بوستان غنچه‌ها» را تشکیل داد؛ گروهی که به مناسبت‌های مختلف به تبیین آیات قرآنی برای گروه هدف یعنی کودکان و نوجوان می‌پردازد و این بار نیز با وجود شرایط جنگی، دست روی دست نگذاشتند و برای بچه‌ها برنامه‌سازی کردند تا علاوه بر آموزش قرآنی به کودکان، حس امید و آرامش را برایشان به ارمغان بیاورند.



قرآن و قصه‌هایش

این فعال فرهنگی می‌گوید: ما قصه‌های قرآنی را براساس پژوهش‌هایی که انجام دادیم، استخراج کردیم و روایت داستانی آن



تجمعات شبانه مردمی با محوریت مسجد بعثت و حضور گسترده اهالی محله ادامه دارد

شب‌های همدلی در کوی ۲۲ بهمن



عیدگاه

پرچم ایران رانقاشی می‌کند. توضیح می‌دهد که این ایده از سوی اهالی مورد استقبال قرار گرفته است؛ «بچه‌ها خیلی خوششان آمد و حالا زودتر از همیشه دم در مسجد صف می‌کشند تا قبل از مراسم صورتشان رانقاشی کنند.»

حفظ سنگر خیابان

زهرا شیخی، یکی از بانوان ساکن محله، هم وظیفه خود می‌داند که هر شب در تجمعات شرکت کند. او توضیح می‌دهد که از همان اولین شب که فراخوان حضور مردم در خیابان اعلام شد، او در تجمعات حضور پیدا کرده است. می‌گوید: اهالی محله کوی ۲۲ بهمن مردمی ولایت مدار و انقلابی هستند. ما می‌دانیم که برای کمک به رزمندگان کشور باید سنگر خیابان را حفظ کنیم و تا پیروزی هر شب بیرون بمانیم. رجز خوانی‌ها و شعار دادن و پرچم گردانی تا ساعت ۱۱ ادامه پیدا می‌کند. ماشین‌ها با بوق زدن سر چهارراه سعی در حمایت و تشویق تجمع‌کنندگان دارند و هر لحظه به جمعیت حاضران هم اضافه می‌شود.

هر شب این مراسم برگزار می‌شود. او توضیح می‌دهد که پیاده روی از مسجد شروع می‌شود و تا چهارراه شیروزی ادامه پیدا می‌کند: ما پرچم ایران را در دست می‌گیریم و طول خیابان رستمی را طی می‌کنیم. شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل می‌دهیم و بعد سر چهارراه شیروزی توقف می‌کنیم. آنجا هم شروع به رجز خوانی و سردادن شعار می‌کنیم. آنجا یک ایستگاه صلواتی هم داریم و با چای و خرما از شرکت‌کنندگان پذیرایی می‌شود.

نقاشی پرچم ایران، روی صورت بچه‌ها

اما پذیرایی فقط با چای و خرما صورت نمی‌گیرد. سید مهدی رضوی و خانواده‌اش بعضی شب‌ها به صورت خود جوش با سمبوسه و ساندویچ فلافل از اهالی پذیرایی می‌کنند. همسر و فرزندانش او در منزل این ساندویچ‌ها را درست می‌کنند و او بین اهالی توزیع می‌کند. خودش می‌گوید: این روزها هر اقدام و حرکت ساده‌ای می‌تواند نقش مؤثری در ایجاد همدلی بین مردم داشته باشد. برای ایجاد این اتحاد حالا همه ساکنان پای کار آمده‌اند. بخشی از جمعیت شرکت‌کننده‌ها را کودکان و نوجوانان تشکیل داده‌اند.

فاطمه سادات حلیمی یکی از همین بچه‌هاست. سیزده سال دارد و هر شب با مادرش در تجمعات حضور پیدا می‌کند. برخی شب‌ها گواش و قلم مویش را هم از خانه می‌آورد و روی صورت بچه‌ها

نیکو عقیده چند دقیقه‌ای است که نماز مغرب و عشا تمام شده است و نمازگزاران مسجد بعثت مشغول خواندن دعای توسل هستند. دعا که تمام می‌شود، به رسم هر شب از سر جایشان بلند می‌شوند. دستشان را روی قفسه سینه می‌گذارند و ایستاده سرود ملی ایران را می‌خوانند. این تازه ابتدای مراسم است و بعد به تجمع، پیاده روی و پرچم گردانی منتهی می‌شود.

اهالی محله کوی ۲۲ بهمن حالا بیش از یک ماه است که هر شب جلودر مسجد جمع می‌شوند و به سمت چهارراه شیروزی حرکت می‌کنند.

اهالی ولایت مدار این محله با این اقدامات، همبستگی خود را با انقلاب اسلامی نشان می‌دهند.

رجز خوانی تا چهارراه شیروزی

ساعت ۸:۳۰ شب است و اهالی پرچم به دست، دم در مسجد جمع شده‌اند. زن، مرد و پیر و جوان، همه به اینجا آمده‌اند و از هر سنی در میان جمعیت دیده می‌شوند. نمازگزاران داخل مسجد هم کم کم بیرون می‌آیند و به جمعیت می‌پیوندند. یکی از افراد پای کار این تجمعات امام جماعت مسجد بعثت است. حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی رضوی بعد از به شهادت رسیدن رهبر معظم انقلاب و با شروع تجمعات در سطح شهر، به اهالی پیشنهاد تشکیل تجمع در این محله را می‌دهد. اهالی استقبال می‌کنند و حالا